

الحمد لله

فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران



فصل سوم



مفهوم چگونگی تربیت در دو سطح مطرح می شود

سطح خرد

به معنی روش های جزئی تربیت می باشد و با سوالاتی از قبیل اینکه " چگونه باید درس ریاضی یا علوم یا دینی یا هنر را در کلاس تدریس نمود یا چگونه و به چه روش هایی می توان افراد را قانونمند بار آورد ؟ " می پردازد

سطح کلان

سطح دوم یا سطح کلان ناظر به شرایط لازم برای عملی شدن جریان تربیت در جهت رسالت و اهداف کلی آن می باشد

بر اساس فلسفه تربیت رسمی و عمومی در ج ۱۱، تربیت نمی تواند به نحو مطلوب عملی و محقق شود مگر اینکه شرایطی خاص برای آن مهیا گردد و اصولی خاص نیز در حد توان رعایت شود. از جمله این شرایط، می توان به لزوم وجود " مدرسه صالح " به عنوان بستری برای تربیت اشاره نمود. به عبارت دیگر، تحقق تمامی اهدافی که در بخش قبل بر شمرده شد تنها در بستری به نام " مدرسه صالح " انجام پذیر است



ایجاد این مدرسه صالح کار معلمان و مدیران و مشاوران و مربیان است . اما مدرسه صالح چگونه مدرسه ای است و چه ویژگی هایی دارد ؟

۱- مشارکت و تعاون و پرهیز از فردگرایی و رقابت گرایی افراطی : این تعامل ، همکاری و تعاون باید از سویی در داخل مدرسه بین مربیان و متولیان و از سوی دیگر در خارج مدرسه بین مدارس همجوار و نهادهای محلی وجود داشته باشد .

۲- انعطاف پذیری : دانش آموزان یک مدرسه با وجود اشتراکاتی که با هم دارند تفاوت هایی هم به لحاظ توانایی ها و سلايق و علايق با هم دارند و در نتیجه باید مدرسه در برنامه ریزی فعالیت هایش تا حدودی آمادگی انعطاف داشته باشد

۳- تعادل : منظور از تعادل تناسب برنامه ها (ورزشی ، علمی ، فرهنگی ، دینی ، حرفه ای و از این قبیل) و همه جانبه نگری و پرهیز از تاکید افراطی بر یکی از جنبه ها و غفلت از بقیه است . افراط و تفریط انسانها را تک بعدی بار می آورد

۴- وجود رابطه احسان و عدالت : این رابطه باید ابتدا بین مربی و متربی ایجاد شود . عدالت اصلاح کننده انسان ها و احسان محبت را افزایش می دهد . چنانچه این رابطه به خوبی برقرار شود ، می توان امید داشت که بچه ها هم این خصلت ها را در خود پرورش دهند



ایجاد این مدرسه صالح کار معلمان و مدیران و مشاوران و مربیان است . اما مدرسه صالح چگونه مدرسه ای است و چه ویژگی هایی دارد ؟

۵ - متناسب سازی (ساده سازی) : فعالیت های مدرسه باید متناسب با ابعاد مدرسه و سطح درک و فهم بچه ها باشد ؛ به عنوان مثال ، در مدرسه های ابتدایی مشارکت در تعیین سرنوشت می تواند محدود به انتخاب نماینده کلاس یا انتخاب محل برای گردش علمی - تفریحی باشد و نه به شکل مناظره های انتخاباتی . پس ، تجربیات مدرسه باید شکل ساده شده ای از تجربیات واقعی در جامعه بزرگ تر و حیات طیبه باشد .

۶ - پایش و پالایش : در هر محیط جمعی و خصوصا در مدارس به طور طبیعی برخی عوارض و نتایج نامطلوب هم بروز پیدا خواهد نمود . به همین دلیل ، محیط مدرسه و اتفاقات آن باید دائما توسط مربیان و مسئولان پایش ، مراقبت و پالایش شود تا از گسترش عوامل مخرب برای رشد و تعالی بچه ها ممانعت به عمل آید . اما این کار باید با هوشمندی صورت گیرد و نباید به صورت تهدید و تحمیل و محدود سازی افراطی صورت گیرد .



یکی دیگر از شرایط لازم برای عملی شدن تربیت همدلی ، هماهنگی و مشارکت بین ارکان تربیت است

ارکان تربیت رسمی و عمومی

نهادهای سازمان های غیردولتی

رسانه

خانواده

دولت اسلامی (حاکمیت)

دولت اسلامی (حاکمیت)

در کشور ما ، مانند بسیاری از کشورهای دیگر ، مدیریت و برنامه ریزی برای تعیین و هدایت معیارها یا استانداردهای رفتاری آحاد جامعه ، به صورت متمرکز و تحت کنترل نظام سیاسی حاکم بر آن کشور صورت می گیرد



خانواده

در اسلام ، طبق آیات و روایات فراوان ، تربیت فرزندان وظیفه و تکلیف والدین است ، زیرا این والدین هستند که با جلب منافع و دفع زیان از فرزندان موجبات رشد و تعالی آنان را فراهم می سازند

با عنایت به تلازم حق و تکلیف در دیدگاه اسلامی ، مشارکت والدین در مدیریت تربیت رسمی و عمومی حق آنهاست و دولت باید سازو کاری برای استیفای این حق فراهم سازد ، اما والدین نیز باید مسئولیت ها و تعهدات خود را در این زمینه جدی بگیرند. از این رو ، دولت اسلامی باید هر گونه کم کاری والدین را در تکالیف تربیتی به آنان متذکر شود و در صورت لزوم حقوق تربیتی فرزندان را از طریق مراجع قضایی پی گیری نماید



ارکان تربیت رسمی و عمومی

خانواده ها می توانند در راستای تحقق حق تربیت فرزندانشان این نقش ها را ایفا کنند

۱- انتخاب نوع مدرسه برای فرزندان

۲- نظارت بر کارکرد مدرسه و نقد آن

۳- مشارکت در فعالیت های مدرسه ای

۴- حضور در سیاست گذاری ها و برنامه ریزی های نظام تربیت رسمی و عمومی مانند حضور نماینده خانواده ها در

شوراهای برنامه ریزی

۵- انتخاب سطوح عالی تری از تربیت برای فرزندان خود در ساحت های مختلف

۶- مشاوره و راهنمایی فرزندان

۷- ایجاد تشکیلات مردم نهاد برای توسعه کمی و کیفی نظام تربیت



ارکان تربیت رسمی و عمومی

نهادهای سازمان های غیردولتی

رسانه

خانواده

دولت اسلامی (حاکمیت)

رسانه

با توجه به استفاده روز افزون متر بیان در همه سطوح از رسانه ها (صدا و سیما ، مطبوعات و فضای مجازی) ، نظام تربیت رسمی و عمومی باید از ظرفیت تربیت رسانه ها استفاده نماید و برای ارتقای سطح تربیت مخاطبان ، سفارش ساخت برنامه های تربیت متنوع و مفید و همچنین طراحی سایت ها ، برنامه های کاربردی و بازی های مناسب را بدهد .

به همین دلیل ، ضروری است سیاست های رسانه ملی به عنوان یکی از مهمترین عوامل تربیت غیر رسمی با سیاست های نظام تربیت رسمی کشور هماهنگ باشد . اما در خصوص دیگر رسانه ها (مثل اینترنت و فضای مجازی) ، نظام تربیت باید رویه ای فعال ، مثبت اندیشانه و هوشمندانه (و نه برخورد محدود کننده تکفیری) را در پیش بگیرد تا بتواند متر بیان را برای مواجهه ای خردورزانه با انواع رسانه ها (یعنی حضور ارزش مدار و عقلانی و مصونیت در برابر تهدیدات احتمالی آن) آماده سازد .



ارکان تربیت رسمی و عمومی

نهادهای سازمان های غیردولتی

رسانه

خانواده

دولت اسلامی (حاکمیت)

نهادهای سازمان های غیردولتی

مطابق تفسیر قرآن، حاکم و حاکمیت اسلامی به تنهایی توانایی و قدرت تسلط بر همه بخش های زندگی اجتماعی مردم را ندارد و در نتیجه بخش مهمی از امور جاری زندگی مردم باید توسط خود مردم دنبال شود؛ شاید وجوب امر به معروف و نهی از منکر موجد این برداشت باشد. در شرایط امروزی که مسائل جامعه بسیار و جریان های اجتماعی نیز پیچیده تر شده اند، تحقق اهداف تربیتی با روش های سنتی به سختی امکان پذیر است و لذا ضرورت مشارکت گروه هایی از دانشوران در عرصه های گوناگون اجتماعی از جمله تربیت دو چندان می نمایند.

طیف گسترده ای از این سازمان ها و نهادهای غیر دولتی ظرفیت مداخلات مشارکت جویانه مثبت را دارند، از قبیل: نهاد وقف، مساجد و نهادهای مذهبی، انجمن های خیریه، موسسات علمی و پژوهشی با رویکرد تربیتی، انجمن های علمی معلمان و متخصصان تربیتی، انجمن ها و موسسات فرهنگی و اشخاص حقیقی صاحب فکر



ارکان تربیت رسمی و عمومی

اصول حاکم بر نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران

منظور از اصول "قواعد و ضوابط یا بایدهای" است که عمل به آنها تحقق اهداف تربیت را تسهیل می نماید. این اصول در تمامی سطوح تصمیم گیری و عمل تربیت کاربرد دارند و می توان آنها را در دو دسته تقسیم بندی نمود

: یعنی بایدهایی که نظام تربیت لازم است خود را با آنها وفق دهد

اصول درونی نظام تربیتی

: یعنی بایدها و مطالباتی که همه نهاد های یک جامعه متقابلاً از هم دیگر انتظار دارند

اصول ناظر بر روابط بیرونی

ارکان تربیت رسمی و عمومی

اصول حاکم بر نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران

اصول درونی نظام تربیت رسمی و عمومی

الف – انطباق با نظام معیار اسلامی: از آنجایی که دین یا همان "آیین حیات طیبه" بر همه شئون زندگی انسان تاثیر می گذارد، لذا ضرورت دارد تربیت رسمی و عمومی که یکی از سازوکارهای اجتماعی زندگی انسان است با مبانی و ارزش های اساسی دین متناسب، هماهنگ و منطبق باشد

ب – عدالت تربیتی: به شک عدالت یکی از اساسی ترین ارزش ها در نظام اسلامی است که باید در تمام شئون زندگی اجتماعی جاری گردد

پ – تاکید بر فرهنگ اسلامی – ایرانی و زبان و ادب فارسی: از آنجایی که زبان و فرهنگ از عناصر مهم تشکیل دهنده هویت ملی افراد می باشند (عناصر شکل دهنده هویت ملی عبارتند از: سرزمین و قلمرو، دین و مذهب، زبان، حکومت و دولت، قوم و نژاد، سنت ها و آیین ها، میراث فرهنگی و اسطوره ها و قهرمانان)، بهره مندی از گنجینه ارزشمند فرهنگ ایرانی و اسلامی ضروری به نظر می رسد.

ت – انسجام اجتماعی: مهم ترین مولفه قوام بخش هر جامعه انسجام آن است. از این رو، انسجام اجتماعی اصل حاکم بر کلیه فرایندهای تربیت است

ث – تنوع و کثرت: از منظر انسان شناسی، تنوع و تفاوت در اینای بشر واقعیتی در خور توجه است

ارکان تربیت رسمی و عمومی

اصول حاکم بر نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران

اصول درونی نظام تربیت رسمی و عمومی

د - حفظ و ارتقای آزادی : انسان موجودی است که ذاتا و فطرتا میل به آزادی دارد . آزادی شرط دین ورزی و شناخت و تحقق ظرفیت های آدمی است

ذ - اقتدار و سندیت مربی شایسته : اصل آزادی نباید مانع وجود حد معقوله از اقتدار ، سندیت و مرجعیت و نقش هدایت گری برای معلم یا مربی باشد

ر - محبوبیت و مقبولیت مربیان : این اصل بدین معناست که مربی باید در کنار مرجعیت و سندیت ، باید از آن چنان محبوبیت و مقبولیت نزد متریان و اولیای آنها برخوردار باشد که بتواند نقش خود را که زمینه سازی برای شکل گیری و تحول هویت آنهاست به خوبی ایفا کند

ز - همه جانبه نگری : وجود ابعاد ، ظرفیت ها و استعداد های مختلف برای انسان ضرورت پرهیز از نگاه کاهش نگرانه (تاکید بر یک یا دو جنبه و غفلت از بقیه) و تاکید بر نگاه جامع گرایانه را در تربیت او بیش از پیش نمایان می سازد

س - حق محوری و مسئولیت پذیری : در کار تربیت ، رعایت حق و حقوق دیگران به شک باید در زمره مهم ترین اولویت ها ، ملاک ها و معیارهای عمل مربیان و مسئولان تربیت قرار گیرد

ش - خرد ورزی : تعقل و خرد ورزی از جمله ظرفیت های خدادادی است که در اختیار انسان قرار داده شده است . از سویه ، عمل تربیت نیز اساسا عملی خردورزانه و مستلزم آگاهی است

ارکان تربیت رسمی و عمومی

اصول حاکم بر نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران

اصول بیرونی حاکم بر نظام تربیت رسمی و عمومی

اصول مربوط به روابط بیرونی تربیت رسمی و عمومی ناظر بر مطالبات و انتظاراتی است که همه نهادها و سازمان‌های یک جامعه از یکدیگر دارند

این اصول در حوزه تربیت عبارتند از :

الف - اصل پاسخ‌گویی : بر اساس این اصل ، کیفیت نقش آفرین نظام تربیت رسمی باید در مراحل مختلف مورد پایش و نظارت مستمر قرار گیرد و نهاد تربیت رسمی و عناصر آن نیز باید نسبت به عملکرد خود در راستای اهداف جامعه و نظام پاسخگو باشند

ب - اصل استمرار و آینده‌نگری : با توجه به اینکه تربیت امری تدریجی ، دارای مراتب ، چند جانبه و در عین حال پیوسته می باشد ، رعایت اصل استمرار ضروری به نظر می رسد .

پ - اصل مشارکت : نظام های تربیتی نمی توانند در خلا و جدا از نظام های اجتماعی و فرهنگ جامعه عمل کنند . از سویه ، به دلیل نقش غیر قابل انکار تربیت در جامعه ، مصالح تربیتی باید در اولویت قرار بگیرند و نسبت به امور دیگر از تقدم برخوردار باشند . لذا ، همگان برای تحقق رسالت و اهداف نظام تربیت رسمی و عمومی به نوعی مسئولیت دارند و باید سهم خود را ادا نمایند